

درآمدی بر  
نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی

چارلز برسلر

ترجمه  
مصطفی عابدینی فرد

ویراستار  
حسین پاینده



انتشارات نیلوفر

## فهرست

- سخنی از سرپرست مجموعه..... ۱۳  
سخنی با مدرس..... ۱۷  
سپاس‌گزاری مؤلف..... ۲۳

### ۱. نقد، نظریه و ادبیات

- نقد ادبی چیست؟..... ۲۸  
نظریه‌ی ادبی چیست؟..... ۳۰  
ادبیات چیست؟..... ۳۵  
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر..... ۴۰

### ۲. مروری بر تاریخچه‌ی نقد ادبی

- افلاطون (حدوداً ۴۲۷-۳۴۷ ق. م.)..... ۴۲  
ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق. م.)..... ۴۵  
هوراس (۶۵-۸ ق. م.)..... ۵۰  
لونگینوس (قرن نخست پس از میلاد مسیح)..... ۵۱  
دانته آلیگیری (۱۲۶۵-۱۳۲۱)..... ۵۲  
جناب فیلیپ سیدنی (۱۵۸۶-۱۵۵۴)..... ۵۴  
جان درایدن (۱۷۰۰-۱۶۳۱)..... ۵۵

۵. ساختارگرایی

مقدمه	۱۲۳
تکوین تاریخی	۱۲۵
مفروضات	۱۳۰
روش‌شناسی	۱۳۲
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۱۳۷
نمونه‌ی نقد: «نگاهی ساختارگرایانه به نمایشنامه‌ی سوزان گل‌سپل»	۱۳۹

۶. واسازی

مقدمه	۱۴۵
تکوین تاریخی	۱۴۷
مفروضات	۱۵۱
روش‌شناسی	۱۵۵
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۱۶۴
نمونه‌ی نقد: «گودمن براون جوان» از منظری واسازانه»	۱۶۵

۷. نقد روانکاوانه

مقدمه	۱۷۱
تکوین تاریخی	۱۷۵
مفروضات	۱۸۳
روش‌شناسی	۱۸۵
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۱۸۷
نمونه‌ی نقد: «نگاهی روانکاوانه به نمایشنامه‌ی سوزان گل‌سپل»	۱۸۹

الکساندر پوپ (۱۶۸۸-۱۷۴۴)	۵۸
ویلیام وردزورت (۱۷۷۰-۱۸۵۰)	۶۰
ایپولیت آدولف تین (۱۸۲۸-۱۸۹۳)	۶۴
ماتیو آرنلد (۱۸۲۲-۱۸۸۸)	۶۷
هنری جیمز (۱۸۴۳-۱۹۱۶)	۷۰
نقد ادبی مدرن	۷۴
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۷۶

۳. نقد نو

مقدمه	۷۷
تکوین تاریخی	۷۸
مفروضات	۸۳
روش‌شناسی	۸۸
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۹۲
نمونه‌ی نقد: «دوک خودافشاگرِ براونینگ»	۹۳

۴. نقد مبتنی بر واکنش خواننده

مقدمه	۱۰۱
تکوین تاریخی	۱۰۴
مفروضات	۱۰۹
روش‌شناسی	۱۱۱
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۱۱۶
نمونه‌ی نقد: «گودمن براون جوان» و «من»	۱۱۷

ضمیمه‌ی ۱: «گودمن براون جوان»	۲۶۹
ضمیمه‌ی ۲: «آخرین دوشس من»	۲۸۷
ضمیمه‌ی ۳: «چیزهای صد تا یک غاز»	۲۹۱

### ۸. فمینیسم

مقدمه	۱۹۷
تکوین تاریخی	۲۰۰
مفروضات	۲۰۵
روش‌شناسی	۲۰۸
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۲۱۱
نمونه‌ی نقد: «نقد فمینیستی نمایشنامه‌ی سوزان گلپیل»	۲۱۳

### ۹. مارکسیسم

مقدمه	۲۱۹
تکوین تاریخی	۲۲۱
مفروضات	۲۲۶
روش‌شناسی	۲۳۰
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۲۳۳
نمونه‌ی نقد: «تفسیری مارکسیستی از شعر "آخرین دوشس من"»	۲۳۵

### ۱۰. تاریخگرایی نوین

مقدمه	۲۴۱
تکوین تاریخی	۲۴۴
مفروضات	۲۴۷
روش‌شناسی	۲۵۲
منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر	۲۵۶
نمونه‌ی نقد: «ابهام هوتورن از منظر تاریخگرایی نوین»	۲۵۷

کتاب مرهون همیاری و مساعدت‌های دوستان و خانواده‌ام است و مسئولیت خطاها و ارزیابی‌های نادرست و کاستی‌های احتمالی آن، همگی بر عهده‌ی خود من.

چ.ا. برسler

## ۱. نقد، نظریه و ادبیات

یک بار به خودم گفتم حالا که جیم حتمی بایست برده باشد، چه بهتر که تو شهر خودش پیش زن و بچه‌هاش باشد؛ پس بهتر است نامه‌ای به تام سایر بنویسم و به او بگویم به دوشیزه واتسون بگوید که جیم کجاست. اما چیزی نگذشت که این فکر را کنار گذاشتم، به دو دلیل: یکی این‌که دوشیزه واتسون از بدجنسی و نمک‌نشناسی جیم که از پیشش فرار کرده بود حسابی کفری می‌شد و لجش می‌گرفت و باز فوری او را همین پایین رودخانه می‌فروخت؛ یکی هم این‌که اگر هم نمی‌فروخت، همه از سیاه نمک‌نشناس بدشان می‌آید و همیشه سرکوفتش می‌زنند و جیم خوار و بی‌آبرو می‌شود. بعد هم خودم را بگو! همه جا می‌نشینند می‌گویند هاک فین یک کاکاسیاه را فراری داد. آن وقت هر جا چشمم به چشم مردم آن شهر بیفتد، از خجالت نمی‌توانم سرم را بلند کنم. همیشه همین‌طور است، آدم یک کار بدی ازش سر می‌زند ولی حاضر نیست پای لرزش بنشیند. خیال می‌کند تا وقتی بر آن سرپوش بگذارد، آبرویش سر جاست. وضع من هم درست همین‌جور بود. هرچه بیشتر قضیه را سبک و سنگین می‌کردم، عذاب وجدانم بیشتر می‌شد و بیشتر احساس پستی و نامردی می‌کردم. آخرش یکهو دیدم این دست تقدیر الهی است که سیلی به صورت من زده و بهم می‌گوید که خدا از همان اول همه‌ی کارهای مرا از آن بالا می‌دیده؛ من کاکاسیاه یک پیرزن بیچاره را که هیچ بدی به من نکرده بود، دزدیدم و حالا می‌بینم که یکی همیشه ناظر است و نمی‌گذارد این‌جور کارها به جایی برسند و یک جایی جلوش را

فِلپس<sup>۱</sup> است یا نه.

در صحنه‌ای که شرحش را خواندید، ما خوانندگان شاهد هستیم که هاک با عذاب وجدان می‌کوشد تا تصمیم بگیرد که چه باید بکند. ما نیز همچون هاک نمی‌دانیم که آیا جیم بایستی به سر خانه و زندگی‌اش برگردد یا نه؛ زیرا همان‌گونه که هاک اشاره می‌کند، در هر صورت جیم «حتمی بایست برده باشد». هاک ابتدا تصمیم می‌گیرد که به دو دلیل از نوشتن نامه برای دوشیزه واتسون صرف نظر کند: (۱) دوشیزه واتسون به دلیل «نمک‌نشناسی» جیم و این‌که او را ترک کرده و برایش این همه دردسر به وجود آورده است، از دست وی خشمگین خواهد شد و اولاً ممکن است او را به مالک دیگری بفروشد، ثانیاً آن‌که او را نزد خود نگه دارد که در این صورت نیز موجب «خوار و بی‌آبرو» شدن جیم در نظر مردم شهرش خواهد شد زیرا «طبیعتاً همه از سیاه نمک‌نشناس بدشان می‌آید»؛ و (۲) نامه‌ی هاک او را به عنوان کسی که برده‌ای را فراری داده است، تا پایان عمر در چشم همشهریان‌ش شرمنده خواهد کرد. گرچه ممکن است در بدو امر استدلال هاک را منطقی تلقی کنیم و بپذیریم، احتمالاً با دقت بیشتر، از هاک و جامعه‌اش دچار حیرت می‌شویم. آیا جز این است که آن‌ها جیم و دیگر سیاهان را نه به چشم انسان، بلکه به چشم مال و اموال می‌نگرند؟ و شاید لازم باشد از خود بپرسیم که آیا تواین به راستی دیدگاه سفیدپوستان طبقات میانی آمریکا در دهه‌ی ۱۸۵۰ درباره‌ی سیاه‌پوستان را به دقت روشن کرده است یا خیر. آیا تحلیل نویسنده از جامعه‌اش و احساسات و باورها و پیش‌داوری‌های مردم آن جامعه مطابق با واقع است یا آن‌که تواین صرفاً عقاید خودش را از زبان شخصیت‌هایش بازگفته است؟ وانگهی، شاید هم این سؤال در ذهنمان نقش ببندد که عکس‌العمل مخاطبان همدوره‌ی تواین در مواجهه با این صحنه چه بوده است. آیا آنان به نشانه‌ی تأیید گفته‌های هاک و موافقت با تحلیل وی از مردم شهر و دوشیزه واتسون، سر فرود می‌آوردند یا آن‌که می‌گفتند تواین برای نشر دیدگاه خود و یا حتی به منظور بالا بردن فروش

می‌گیرد. از بس ترسیده بودم، نزدیک بود پس بی‌فتم. خلاصه برای این‌که خودم را دلداری داده باشم گفتم لابد مرا این جور بدجنس بار آورده‌اند؛ پس خودم، خیلی تقصیرکار نیستم. اما یک چیزی توی دلم هی می‌گفت: «مگه اون مدرسه‌ی کلیسا نبود؟ می‌تونستی بری اون جا؛ اگه رفته بودی حالیت می‌کردن هر کی از این کارا بکنه که من واسه این کاکا سیاه کردم، تا قیام قیامت جاش تو آتیش جهنمه.»  
پشتم لرزید. ...

سرگذشت هاکلبری فین، فصل سی‌ویکم<sup>۱</sup>

در این صحنه که تقریباً در اوج رمان مارک تواین رخ می‌دهد، شخصیت اصلی یعنی هاکلبری فین باید تصمیم بگیرد که آیا دوشیزه واتسون<sup>۲</sup> را از محل استقرار برده‌ی فراری‌اش جیم<sup>۳</sup> مطلع سازد یا خیر. هاک پس از فراری دادن جیم از خانه‌ی دوشیزه واتسون و چندین شبانه‌روز کلک‌رانی با او در رود می‌سی‌سی‌پی، اکنون دوست و همسفره و همبازی او شده است و حتی درباره‌ی خلقت ماه و ستارگان با او فلسفه‌بافی می‌کند. هاک و جیم در اثنای ماجراهای‌شان در آب و خشکی، با دو آدم ناجنس، به نام دوک<sup>۴</sup> و دوفن<sup>۵</sup>، مواجه می‌شوند. طی سلسله رویدادهایی که این دو حقه‌باز طراحی می‌کنند، جیم بار دیگر به عنوان برده — این بار به ازای چهل دلار — فروخته می‌شود. هاک که از سرنوشت کنونی جیم خبر دارد، مردد است که آیا به صاحب قانونی جیم نامه بنویسد و به او اطلاع دهد که برده‌اش اکنون در مزرعه‌ی سیلاس

۱. توین، مارک. سرگذشت هاکلبری فین. ترجمه‌ی نجف دریابندری. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶، صص ۲۸۷-۲۸۶، با اندکی تغییر.

2. Miss Watson
3. Jim
4. Duke
5. Dauphin

1. Silas Phelps